
واکاوی عوامل جامعه‌شناختی شکل‌گیری جنبش اجتماعی زنان ایران
در نیمه دوم قرن سیزدهم

آتنا غلام نیارمی
دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر حوزه مطالعات اجتماعی
Email: atena1359@yahoo.com

■ چکیده

در اوایل قرن نوزدهم، حضور زنان در اجتماع و اقتصاد به‌دنبال تغییرات صورت‌گرفته در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و رشد سرمایه‌داری در دنیا، فزونی یافت، به‌طوری‌که در اواسط قرن مذکور، نقش مستقیم آن‌ها کاملاً قابل مشاهده بود. با ورود زنان به سپهر عمومی، پدیده‌ای اجتماعی موسوم به «جنبش زنان» در راستای احقاق حقوق و رفع نابرابری‌های جنسیتی زنان، نضج گرفت و دامنه تأثیرات آن به نقاط دیگر جهان از جمله ایران سرایت کرد. جنبش اجتماعی زنان ایران در نیمه دوم قرن سیزدهم، اگرچه در پیوند با تکاپوی ملی و بین‌المللی مشروطه‌خواهی در غرب شکل گرفت، اما تقلیدی صرف از نمونه‌های غربی نبود، بلکه در زمینه اجتماعی و بافت فرهنگی ایران عصر قاجار متولد گردید و از ساختار و عملکرد و کارکردی کاملاً بومی برخوردار بود. مقاله حاضر با رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی در چارچوب نظریه موضوع‌گرا، به چگونگی شکل‌گیری این جنبش و دستاوردهای آن در متن اجتماعی - فرهنگی روزگار مزبور پرداخته است. در این مطالعه، گردآوری داده‌ها با دو روش اسنادی و مطالعه میدانی (مصاحبه با صاحب‌نظران) و با بهره‌گیری از پرسشنامه معکوس انجام گردیده و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از دو روش تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جنبش اجتماعی زنان در نیمه دوم قرن سیزدهم در ایران، نمونه‌ای از حرکت استاندارد و تعریف‌شده اجتماعی بوده و تنها یک حرکت شهری زنانه محسوب نمی‌شده و از ساختار پراگماتیک و شاخص‌های استاندارد یک جنبش معنادار اجتماعی برخوردار بوده است. این جنبش دارای دستاوردهایی برای زنان ایرانی بود که در دوره‌های بعدی تداوم و توسعه یافت.

کلیدواژه‌ها: جنبش اجتماعی، سپهر عمومی، ساختار پراگماتیک، زمینه اجتماعی، بافت فرهنگی